

## جنون، مستی و صغر سن در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی

دکتر حسین میرمحمدصادقی (رئیس دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری - دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی) هدف از این نوشتار آن است که سه عامل جنون، مستی و صغر سن را در پرتو اساسنامه دادگاه (دیوان) کیفری بین‌المللی مورد بررسی قرار دهد. این سه عامل در زیر به تفکیک مورد بررسی قرار می‌گیرند.

### ۱- جنون:

تردید وجود ندارد که اگر اثبات شود که مرتکب در زمان ارتکاب جرم به جنون مبتلا بوده است، وی را به دلیل فقدان عنصر روانی جرم، نمی‌توان مسئول شمرد. امروزه این موضع تقریباً در تمامی قوانین کیفری کشورهای مختلف پذیرفته شده است. محکمه نورنبرگ نیز در رأی خود راجع به "رادولف هس"<sup>(۱)</sup> با اشاره به این که دلیلی بر عاقل نبودن متهم در زمان ارتکاب جرایم مورد اتهام وجود ندارد، وی را محکوم کرد.<sup>(۲)</sup> این رأی نشان می‌دهد که هرگاه دلایلی دال بر جنون وی ارائه می‌شد، امکان محکوم کردن وی وجود نداشت.

قبل از آن نیز، دادگاه عالی لایپتزیگ در سال ۱۹۲۱ م، در پرونده (Stenger and Crusius) متهم را در مورد یک فقره از اتهامات وارد شده به وی، به دلیل جنون تبرئه کرد. متهم (Crusius) در نبرد مورخ ۲۶ اوت ۱۹۱۴ م، علیه قوای فرانسه دستور مافوق خود (Stenger) را به زیردستانش به این شکل منعکس کرده بود که هیچ اسیری نگیرند و به تعبیر دیگر، همه سربازان دشمن را که به دست آنها می‌افتند بکشند. این دستور متهم ناشی از درک نادرست دستور مقام مافوق بود، که خود از وضعیت دماغی نابسامان وی ناشی می‌شد. از سوی دیگر، همین دادگاه در مورد انعکاس غلط دستورات مقام مافوق به افراد زیردست از سوی متهم در ۲۱ اوت ۱۹۱۴ م، وی را مسئول شناخت؛ هرچند که در این مورد نیز وی دستور مقام مافوق را بد فهمیده و در زمان انعکاس آن نیز وضعیت روانی درستی نداشته است. دلیل مسئول شناخته شدن متهم در مورد این فقره از

کیفرخواست، آن بود که وضعیت روانی بد وی به حد جنون، که باعث اختلال اراده در وی شود، نمی‌رسیده است.<sup>(۳)</sup>

همین موضوع در برخی از دعاوی بین‌المللی، دیگر اتخاذ شده است.<sup>(۴)</sup>

اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی از اصل کلی عدم مسئولیت کیفری افراد مجنون تبعیت کرده و یکی از موارد سلب مسئولیت کیفری متهم را، طبق ماده (a) (۱) ۳۱، حالتی دانسته است که: «آن فرد از یک بیماری یا نقص دماغی رنج می‌برد که وی را از درک ماهیت یا غیرقانونی بودن عمل خود یا از توانایی لازم برای کنترل عملش، جهت منطبق کردن آن بر قانون، محروم می‌سازد.»

بدیهی است، استناد به دفاع جنون، به‌عنوان عامل رافع مسئولیت، در مواردی ممکن است که شخص متهم در زمان ارتکاب جرم مجنون باشد و شامل حالتی که وی در آن زمان مجنون نبوده، ولی در زمان محاکمه مجنون شده است، نمی‌شود. در صورت اخیرالذکر، همان‌طور که محکمه نورنبرگ در یک مورد رأی داد، محکمه می‌تواند دستور تعویق محاکمه را تا زمان بهبودی یافتن متهم بدهد.<sup>(۵)</sup>

نکته دیگری که در بحث از جنون پیش می‌آید، وضعیت عیوب دماغی پایین‌تر از حد جنون است. در برخی از کشورها، مثل کشورهای برخوردار از حقوق رومی - ژرمنی، وجود چنین مواردی ممکن است موجب استحقاق مرتکب برای تخفیف مجازات شود و در کشورهای برخوردار از نظام کامن‌لا، بویژه انگلستان، این موارد در اتهام قتل عمد موجب تقلیل نوع اتهام از قتل عمد به قتل غیرعمد شده و در نتیجه، قاضی ملزم به اعمال مجازات اجباری حبس ابد نخواهد بود؛ بلکه می‌تواند مجازاتی کمتر از آن را برای فرد مرتکب تعیین نماید. بدین ترتیب، هرگاه محاکم داخلی کشوری به اتهام ارتکاب جرایم بین‌المللی از سوی متهم، براساس قوانین داخلی خود بپردازند، وجود نقصان‌های دماغی در متهم که به حد جنون نمی‌رسد، می‌تواند آثاری از قبیل آنچه که شرح آن گذشت را در برداشته باشد.<sup>(۶)</sup>

اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی، به موضوع اخیرالذکر نپرداخته است. بدیهی است، همان‌طور که شعبه تجدیدنظر دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در پرونده «دلایچ» اظهار داشته است، این موضوع، در صورت اثبات شدن از سوی متهم، می‌تواند به‌عنوان یک کیفیت مخففه در مرحله تعیین مجازات مدنظر قضات قرار گیرد.<sup>(۷)</sup>

## ۲- مستی:

اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی، در ماده (b) (۱) ۳۱، به موضوع مستی پرداخت است. این ماده متهم را در صورتی از مسئولیت کیفری مبرا می‌داند که: «وی درحالی از مستی قرار داشته که توانایی او را برای درک ماهیت یا غیرقانونی بودن عملش یا برای کنترل آن جهت منطبق کردن عمل بر قانون از بین برده باشد، مگر آنکه وی عمداً و در شرایطی مست شده باشد که می‌دانسته و یا نسبت به این خطر بی‌تفاوت بوده است که به‌دلیل مستی ممکن است مرتکب یکی از جنایات مشمول صلاحیت دادگاه شود.»

بدین ترتیب، معلوم می‌شود که هرگاه مستی غیرارادی باشد (مثلاً در نتیجه تزریق غلطی به‌بیمار حاصل شده باشد) مرتکب در صورتی می‌تواند از مسئولیت کیفری رهایی یابد که عنصر روانی وی، به‌دلیل مستی، زایل شده باشد. در مورد مستی ارادی، شرط دیگری که اثبات آن ضروری است، این است که مرتکب با علم یا بی‌تفاوتی نسبت به اینکه احتمال دارد بر اثر مستی مرتکب جنایتی شود که تحت شمول صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی است، خود را مست نکرده باشد. بدین ترتیب، یکی از شعب بدوی دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، در یکی از پرونده‌های خود، مست‌بودن متهم (زیجیچ)<sup>(۸)</sup> را در زمان کتک زدن و تحقیر قربانیان حاضر در یک اردوگاه نه تنها باعث معافیت یا تخفیف مجازات وی ندانست، بلکه اظهار داشت که این امر می‌تواند یک کیفیت مشدده باشد.<sup>(۹)</sup> در پرونده «یاماموتو»<sup>(۱۰)</sup> نیز دادستان یک دادگاه نظامی انگلیسی که در کوالامپور تشکیل شده بود، با ردّ دفاعِ مستی ابراز شده از سوی یکی از افسران ارتش ژاپن (که با کشتن

یک غیرنظامی که از انبار ارتش برنج دزدیده بود، مرتکب یک جرم جنگی شده بود) اظهار داشت:

«مستی به تنهایی عذری برای ارتکاب جرم محسوب نمی‌شود، بلکه اگر تعریف جرم مبتنی بر قصد و نیت باشد مستی می‌تواند باعث آن شود که دادگاه مجازات کمتری را برای مرتکب تعیین نماید یا جرم را به جرم سبک‌تری تبدیل کند. در چنین حالتی متهم باید در آنچنان درجه‌ای از مستی قرار داشته باشد که نتواند قصد ارتکاب جرم را کرده باشد...»<sup>(۱۱)</sup>

### ۳- صغر سن:

دادگاه کیفری بین‌المللی، براساس ماده (۲۵) اساسنامه، تنها صلاحیت رسیدگی به جرایم اشخاص حقیقی را دارد و براساس ماده (۲۶)، این اشخاص باید در زمان ارتکاب جرم حداقل هجده سال سن داشته باشند. این سن پس از مذاکرات متعدد در مورد اینکه آیا باید سن مسئولیت کیفری در اساسنامه پانزده تا هجده سال باشد، به‌عنوان حداقل سن در ماده (۲۶) گنجانیده شد. اساسنامه دیوان بین‌المللی نورنبرگ و قانون دهم شورای کنترل متفقین، حاوی مقرراتی در مورد حداقل سن مسئولیت کیفری نبودند؛ هرچند که عملاً هیچ شخص زیر هجده سال در محاکمی که پس از جنگ جهانی دوم برای مجازات جنایتکاران جنگی تشکیل شدند، به محاکمه کشیده نشد. در اسناد بین‌المللی تنظیم شده و کنوانسیون‌های منعقد شده پس از جنگ جهانی دوم نیز به سن مسئولیت کیفری مرتکبان جرایم بین‌المللی اشاره نشد. بدین ترتیب، کنوانسیون نسل‌کشی ۱۹۴۸ م، قطعنامه ۱۹۵۰ م، در مورد اصول نورنبرگ، پیش‌نویس‌های قوانین تهیه شده از سوی کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال‌های ۱۹۵۱ و ۱۹۵۴ م، کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ م، و پروتکل‌های الحاقی آنها در سال ۱۹۷۷ م و اساسنامه‌های دیوان‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا،<sup>(۱۲)</sup> هیچ‌یک به این موضوع پرداختند. بدین ترتیب، به‌رغم این که برخی از منتقدین، وجود ماده (۲۶) اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی را موجب فرارکسانی دانسته‌اند که هرچند کمتر از هجده سال سن دارند، ولی همان‌طور که در مواردی در

یوگسلاوی سابق و رواندا مشاهده شد، چه بسا مرتکب جرایم شنیع بین‌المللی بویژه در زمان جنگ گردند، وجود این ماده را از جهت تثبیت سن مسئولیت کیفری از لحاظ حقوق بین‌المللی و پیروی از کنوانسیون حقوق کودک، که در ماده (۱) کودک را شخص زیر هجده سال می‌داند، باید مورد استقبال قرارداد.<sup>(۱۳)</sup> مخصوصاً از آن‌رو که هدف اصلی دادگاه کیفری بین‌المللی مقابله با جنایتکاران اصلی می‌باشد و نباید وقت خود را صرف رسیدگی به جرایم مجرمان دیگر نماید و بعید است که اشخاص کمتر از هجده سال آن‌چنان نقش مهمی در طراحی و ارتکاب جنایات بین‌المللی داشته‌باشند که لزوم دخالت دادگاه کیفری بین‌المللی را ایجاب نماید.

بدین ترتیب و با وضعیت موجود، برخورداری مرتکب از سن کمتر از هجده سال در زمان ارتکاب جرم، حتی اگر وی در زمان محاکمه به سن قانون رسیده باشد، موجب عدم مسئولیت کیفری وی در مقابل دادگاه کیفری بین‌المللی می‌گردد. البته این‌گونه افراد ممکن است در محاکم ملی کشورها به دلیل ارتکاب اعمال مورد بحث به محاکمه کشیده شوند؛ مخصوصاً با توجه به اینکه صغر سن در اساسنامه، نه به عنوان یک عامل رافع مسئولیت کیفری، بلکه در بخش راجع به صلاحیت دادگاه مورد اشاره قرار گرفته است. نکته قابل ذکر این است که در ماده (e)(vii) ۸(۲) اساسنامه، استفاده از کودکان زیر پانزده سال به عنوان نیروهای رزمنده ممنوع شده است. بدین ترتیب، سران سازمان‌ها یا دولت‌ها می‌توانند، بدون مسئول شناخته شدن، از کودکان شانزده تا هفده ساله به عنوان نیروی رزمنده استفاده کنند؛ ولی کودکان مذکور، در صورت ارتکاب جرایمی مثل جنایات جنگی، در مقابل دادگاه کیفری بین‌المللی به محاکمه کشیده نخواهند شد.

پی‌نوشت‌ها:

۱\_ Rudolf Hess.

۲\_ Judgement of The International Military Tribunal. \ Trial of The Major War Criminals Before The

I.M.T. at ۲۸۴.

۳\_ Paras ۲۵۶۸-۷۲ and ۲۵۶۷; Cited in Antonio Cassese, International Criminal Law, p. ۲۲۵.

۴\_ Ibid, P. ۲۲۵.

۵\_ Gustav Krupp Von Bohren und Halbach, IMT Judgement, ۱۷۱-۷۲ cited in Yoram Dinstein, "Defences", in G.K. McDonald and O.Swaak-Gurdman (eds), Substantive and Procedural Aspects of International Criminal Law (The Hague: Kluwer, ۲۰۰۰) ۳۶۷ at P.۳۷۸.

۶\_ درمورد نمونه این دعاوی، ر.ک:

Antonio Cassese, OP. Cit: PP. ۲۲۶-۲۲۷.

۷\_ ICTY Tribunal, Delalić and Others, Appeal, Para ۵۹۰.

۸\_ Zigić.

۹\_ ICTY, Kvočka and Others, Para ۷۴۸.

۱۰\_ Yamamoto Chusaburo.

۱۱\_ at ۷۸, Cited in Antonio Cassese, International Criminal Law, p.۲۲۸.

۱۲- در عمل تاکنون هیچ‌یک از این دو دیوان کیفری بین‌المللی، به اتهام یک فرد زیر هجده سال رسیدگی نکرده‌اند.

۱۳- اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی درمورد سیرالئون، که پیرو نبردهای انجام‌شده در آن کشور که حدود یک دهه به طول انجامید، بر اثر توافق بین دولت سیرالئون و سازمان ملل متحد جهت رسیدگی به جنایات ارتکاب یافته تشکیل شد؛ و درواقع می‌توان آن را یک محکمه ملی - بین‌المللی محسوب کرد؛ سن مسئولیت کیفری را پانزده سال قرار داده است، ولی باتوجه به اینکه این محکمه، براساس اساسنامه‌اش و ازجمله ماده (۱)، به مسئولیت سران و رهبران می‌پردازد، بسیار بعید به نظر می‌رسد که یک فرد زیر هجده سال جزء این گروه محسوب شده و در محکمه مذکور محاکمه شود.